

# همپایه و پیوند قرائت و عمل به قرآن از دیدگاه فریقین

## ■ کریم دولتی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی

kdowlati@chmail.ir

## ■ رضا بیدی

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول)

rezabd133@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۱۹

## چکیده

«عمل به قرآن» یکی از مسائلی مورد توجه در قرآن و روایات است که در جانب دیگر آن، دو مقوله قرائت و تدبیر همراه با استماع، ترتیل و تلاوت قرار دارد. موضوعی که همواره مورد بررسی دانشمندان این حوزه بوده، این است که چگونه می‌توان بین عمل به قرآن با دو مقوله قرائت و تدبیر پیوند برقرار کرد. در این مقاله، مفهوم «عمل به قرآن» و ارتباط سامان‌یافته آن با دو مقوله قرائت و تدبیر با تکیه بر استنادات قرآنی و روایی از دیدگاه فریقین بررسی شده و در نهایت «شاکله» انسان به عنوان رکن اصلی و خاستگاه عمل به قرآن معرفی شده است. عمل به قرآن زمانی به طور قطع محقق می‌شود که قرآن در قلب انسان رسوخ کرده و شاکله وجودی او را قرآن‌بنیان شکل دهد. از این منظر قرائت قرآن مهم‌ترین مرحله انعقاد عمل محسوب می‌شود که در بطن و متن عمل به قرآن قرار دارد. انسان در هنگام قرائت با متذکر ساختن خود و القای تعالیم قرآن به قلب، در حین قرائت به قرآن عمل می‌کند و بعد از اتمام قرائت و وقت عمل، به جای اینکه مفاهیم کلی قرآنی را محور عمل قرار دهد، نص آیات قرآن را با قرائت نزد خود حاضر یافته، بدون واسطه به کلام الله عمل می‌کند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، قرائت قرآن، عمل به قرآن، قرائت عمل‌گرایانه، شاکله.



۵

مطالعات قرآنی و اسلامی  
شماره ۳۲ - تابستان ۱۳۹۲

سال هشتم



## مقدمه

«عمل به قرآن» هدف غایی از نزول قرآن و امری است که بهره‌مندی از آثار و برکات کلام الهی منوط به تحقق آن است. رسول خدا(ص) می‌فرماید: «کسی که قرآن را یاد بگیرد و بدان عمل نکند و دوستی دنیا و زینت آن را بر قرآن برگزیند، مستحق خشم خدا است و با یهودیان و مسیحیان، که کتاب خدا را پشت سر می‌اندازند، در یک درجه خواهد بود»<sup>۱</sup>. در روایتی دیگر از ایشان نقل شده است که فرمود: «کسی که قرآن را بیاموزد و به آن عمل نکند، خدا او را در روز قیامت کور محشور می‌کند، پس می‌گوید خدایا به خاطر چه مرا کور محشور کردی، در حالی که من بینا بودم. خداوند متعال می‌فرماید: چگونه تو آیات ما را خواندی و آنها را به فراموشی سپردی و به آنها عمل نکردی»<sup>۲</sup>.

به‌رغم اهمیت بسیار بالای عمل به قرآن و با آنکه مفهومش به ظاهر بدیهی به نظر می‌آید، اما همچنان ماهیت و کیفیت آن مورد اختلاف باقی مانده است. اینکه «باید به قرآن عمل کرد و تنها خواندن آن کافی نیست»، مسئله‌ای است که همواره بر آن تأکید می‌شود. اما هنوز راهکارهای عملی مشخص برای رسیدن به این مهم در دست نیست. از سوی دیگر با تصویری که از «عمل به قرآن» وجود دارد، فقط بخش اندکی از آیات قرآن قابل عمل بوده و بخش اعظم آن، اصولاً عملی و کاربردی نخواهد بود. به عنوان مثال سوره‌هایی همچون قدر، فیل و مسد و آیات بسیاری که از خلقت زمین، آسمان، صفات و اسماء الهی و غیر آن سخن می‌گویند، در تلقی رایج از «عمل به قرآن» امکان عملی شدن را نمی‌یابند. از این رو لازم است کیفیت عمل به قرآن و مراحل تحقق آن مورد بررسی قرار گیرد.

مسئله پیوند قرائت و عمل به قرآن، پیش‌تر در «طرح جامع آموزش زبان قرآن» که توسط محمدعلی لسانی فشارکی تهیه شده، مطرح گردیده است. در کتاب «حمل قرآن» تألیف ابوالفضل خوش‌منش نیز اجمالاً به این

مسئله پرداخته شده است. وجه تازه این مقاله این است که علاوه بر آنکه تا حدودی با نظریه مطرح شده در آن دو منبع تفاوت دارد، مکانیزم و چگونگی تحقق این هدف را نیز به تفصیل شرح می‌دهد.

## وجدان علم و ارتباط آن با عمل

بررسی روایات نشان می‌دهد که علم حقیقی در دیدگاه معصومان(ع) مقوله‌ای فراتر از معلومات و دانشهای ذهنی است. چنانچه گاهی در روایات از جهل عالم سخن گفته می‌شود. امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «بسا عالمی که جهلش او را کشته و نابود کرده، در حالی که دانشش با او است و از آن سود نبرده است»<sup>۳</sup>. در شرح این حدیث آمده است: مقصود از آن عالم، کسی است که به قضایای دینی، تنها به صورت عقلی علم دارد و از حیث وجدان و عمل نسبت به آنها جاهل است. چنین جهلی عالم را هلاک می‌کند<sup>۴</sup>. در این شرح، مرحله تبلور علم در وجود انسان «وجدان علم» نامیده شده است و مادامی که آموخته‌ها به قلب راه نیافته و شهود نشوند، انسان همچنان در حجاب جهل باقی می‌ماند.

مرحله وجدان علم، غایت وجودی علم به شمار آمده و تضمینی است برای آنکه علم، در اعمال و رفتار انسان نمایان گردد. رسول خدا(ص) می‌فرماید: «علم دوگونه است: علمی که در قلب وجود دارد و نافع است؛ و علمی که بر زبان جاری است و حجت خدا بر ضد انسان می‌باشد»<sup>۵</sup>. بر این اساس، علم حقیقی علمی است که در قلب انسان رسوخ کرده و جزئی از وجود او گردد. چنین علمی، منشأ و خاستگاه قطعی عمل خواهد بود و از این رو حتی بر اعمال و عبادات نیز فضیلت دارد. رسول خدا(ص) در روایتی دیگر می‌فرماید: «فضیلت علم از فضیلت عبادت برتر است»<sup>۶</sup>. نیز بیان می‌دارد: «علم از

۳. نهج البلاغه، حکمت ۱۰۷.

۴. منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه و تکملة منهاج البراعة، ج ۲، ص ۱۶۱.

۵. منیة المرید، ص ۱۳۶.

۶. مکارم الأخلاق، ص ۴۶۸؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۱، ص ۳۵۰؛ الوافی، ج ۲۶، ص ۱۹۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۰.

۱. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۸۲؛ وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۱۸۳.

۲. وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۱۸۴؛ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۸۶.

عمل بهتر است».<sup>۷</sup>

به طور کلی می‌توان گفت ظهور و بروز علم در دو مرحله انجام می‌گیرد: نخست تبلور در شاکله و جان آدمی؛ و دیگر ظهور در اعمال و رفتار انسان. هریک از این مراحل را می‌توان به عنوان بُعدی از ابعاد عمل تلقی کرد که تحقق هریک، عمل به علم محسوب می‌شوند.

### شاکله، خاستگاه عمل

در روایاتی که درباره انتظار ظهور امام زمان(ع) وارد شده است، از انتظار که یک حالت و کیفیت درونی است، با عنوان بهترین اعمال یاد شده است.<sup>۸</sup> مطابق با این حدیث، مرتبه عالی عمل علاوه بر آنکه نمود عینی در عالم خارج دارد، یک حالت درونی و قلبی نیز به شمار می‌آید. در روایتی دیگر از امام صادق(ع) قلب به منزله فرمانده کل قوای انسان، خاستگاه تمام اعمال و رفتار او به شمار آمده است. ایشان می‌فرماید: «... زیرا خدای تبارک و تعالی قلب را سرپرست جسم قرار داده است، به طوری که جسم به وسیله قلب می‌شنود و می‌بیند و او قاضی و فرمانده جسم است. اگر قلب عقب نشینند، جسم جلو نمی‌رود و اگر او به پیش رود، جسم تأخیر نمی‌کند. به وسیله قلب، حواس می‌شنوند و می‌بینند. اگر امر کند، فرمان می‌برند و اگر بازدارد، خودداری می‌کنند».<sup>۹</sup> بنابر این روایت، تمام افعال و ادراکات انسان از قلب او سرچشمه گرفته و از آنجا به اعضا و جوارح سرازیر می‌شوند. بر این اساس، عامل حقیقی افعال انسان قلب است؛ اگر قلب تصمیم بر انجام کاری داشته باشد، تمام قوا در خدمت او قرار می‌گیرند و اگر قلب عزم بر کاری نداشته باشد، توان حرکت از جوارح سلب می‌شود.

در آیه ۸۴ سوره اسراء آمده است: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلَتِهِ»؛ «هرکس بر حسب شاکله خود عمل می‌کند». شاکله که این آیه آن را محور کلیه اعمال انسان بر شمرده است، نزد مفسران با تقریرهای مختلفی بیان شده است: دین، مذهب، طریقت، نیت، خلق و خوی، ملکات نفسانی،

۷. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۷۳.

۸. همان، ج ۷۵، ص ۲۰۸.

۹. همان، ج ۵۸، صص ۵۵-۶۲.

مقتضای روح، طبیعت، سرشت، اصل و جوهر نفس.<sup>۱۰</sup> مطابق با این آیه «شاکله نسبت به عمل، نظیر روح جاری در بدن است که بدن با اعضا و اعمال خود آن را مجسم نموده و معنویات او را نشان می‌دهد».<sup>۱۱</sup> این گونه می‌توان نتیجه گرفت: علت عمده ضعف و کوتاهی انسان در عرصه عمل، عدم وجدان و باور قلبی معلومات است که متعاقباً عدم تبلور عمل در شاکله انسان را در پی دارد. بنابراین در روایات تأکید شده است که به جای اینکه به میوه‌ها و آثار عرضی پردازید، ریشه‌ها و عوامل جوهری را در نظر داشته باشید: «نفسهائتان را محاسبه کنید، پیش از آنکه آنها را محاسبه نمایند».<sup>۱۲</sup> مطابق با این روایت، آنچه باید مورد محاسبه قرار گیرد، خاستگاه حقیقی اعمال و رفتار انسان، یعنی نفس و خویشستن او است؛ زیرا «اگر نفس انسان نفسی نورانی، نیکو، طاهر و متعالی باشد، از آن اعمالی فاضل و کریمانه سر می‌زند و اگر نفسی مکدر، حقیر، خبیث، گمراه و ظلمانی باشد، از آن افعالی پست و فاسد صادر می‌شود».<sup>۱۳</sup> از سوی دیگر، این معنا با تجربه و هم از راه بحث‌های علمی به ثبوت رسیده که میان ملکات نفسانی و احوال روح و میان اعمال بدنی رابطه خاصی است و معلوم شده که هیچ‌وقت کارهای یک مرد شجاع و با شهامت با کارهایی که یک مرد ترسو از خود نشان می‌دهد، یکسان نیست.<sup>۱۴</sup>

در این دیدگاه، توبه نیز معنایی تازه می‌یابد: «توبه یعنی بازگشت از خطا در عمل و از خطیئه در حالت. حالتها خطاها را به وجود می‌آورند، کبر و حرص و بخل و حسد و شتاب، لباس خطا را بر تن ما می‌نمایند و این ذلتها و ضعفها هستند که در لباس عمل بر ما می‌نشینند و آشکار می‌شوند. این خطا میوه خطیئه و ذلتها و ضعفهای باطنی

۱۰. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۰؛ التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۵۱؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۶۷۳؛ مفاتیح الغیب، ج ۲۱، ص ۳۹؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۱، ص ۳۲۲؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۴، ص ۱۹؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۸، ص ۱۴؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۱۸.  
۱۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، صص ۱۸ و ۱۹.  
۱۲. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۵۲.  
۱۳. مفاتیح الغیب، ج ۲۱، ص ۳۹.  
۱۴. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، صص ۱۸ و ۱۹.





تو است و باید از ریشه و میوه توبه کرد، که توبه سلوک، از توبه ذنوب گسترده‌تر و عظیم‌تر است»<sup>۱۵</sup>.

## عمل به قرآن ذیل ارتباط با قرآن

به طور کلی «رابطه با قرآن» ذیل سه نوع ارتباط شکل می‌گیرد: زبانی، فکری و قلبی.

### ۱) ارتباط زبانی با قرآن

اولین مرتبه «ارتباط با قرآن» روخوانی کلمات و آیات قرآن است. این مرحله دربرگیرنده ورود به دریای عمیق قرآن است و به مثابه گذرگاهی است که نباید در آن توقف کرد. ارتباط با قرآن اگر در همین سطح باقی بماند، امکان عمل به قرآن به هیچ وجه فراهم نمی‌گردد. بنابراین رسول خدا(ص) همگان را از چنین ارتباطی برحذر می‌دارد: «وای بر کسی که این آیات را میان دو فک خود بخورد و در معنای آن تأمل نکند»<sup>۱۶</sup>.

### ۲) ارتباط فکری با قرآن

در این مرحله، انسان با تفکر و تأمل در قرآن به دریای معارف الهی راه می‌یابد و به برکت این ارتباط، صاحب «اندیشه دینی» شده و نگرش و چهارچوب فکری خود را بر پایه آموزه‌های قرآن بنا می‌کند. اما این تمام راه نیست. وجود او هنوز به تسخیر قرآن درنیامده و قرآنی نشده است. بین داناییهای ذهنی و داراییهای وجودی او هنوز فاصله وجود دارد. در این مقام نیز عمل به قرآن به طور قطع محقق نمی‌گردد. بر دانسته‌های او افزوده شده، ولی هیچ تضمینی بر اجرای آنها وجود ندارد.

### ۳) ارتباط قلبی با قرآن

در دعای قبل از تلاوت قرآن از امام صادق(ع) آمده است: «بار خدایا! ... مرا از کسانی قرار ده که از پندهای تو در آن پند می‌گیرند، و از گناهانت دوری می‌جویند. ... و خوانندم را خواندنی بی تدبیر قرار مده، بلکه چنان کن که در آیات و احکامش تدبیر کنم، و به دستورات دینت چنگ زنم»<sup>۱۷</sup>.  
براساس دیدگاه رایج به مقوله «عمل به قرآن»، ابتدا باید قرآن قرائت شود، سپس در مضامین آیات تفکر و مذاقه

شده و مفاد آن استخراج گردد و در نهایت به آن مفاهیم، جامه عمل پوشانده شود. این در حالی است که پیش از آنکه قرائت قرآن آغاز شده و مجال عمل فراهم گردد، در دعای شروع قرائت قرآن اجتناب از معاصی و اخذ شرایع دینی که مربوط به مسئله عمل است، مطرح می‌شود. این معلوم می‌کند که «عمل به قرآن» وابستگی شدیدی به کیفیت قرائت داشته و زمینه بروز و به فعلیت رسیدن قرآن را در اعمال انسان فراهم می‌کند. قرائت حقیقی به مثابه بذری است که در جان آدمی کشت می‌شود، تا میوه عمل به قرآن را به بار آورد. این قرائت، قرائتی عمل‌گرا است که جان آدمی را آبیاری می‌کند، تا محصولی پر رونق و پر برکت برداشت شود، وگرنه در صورت نبود چنین قرائتی، چشم دوختن به زمین خشک و بی‌بذر جان آدمی به امید عمل، کاری عبث و بیهوده است.

یکی از مفاهیم دیگری که پیوند میان قرائت و عمل به قرآن را نشان می‌دهد، مفهوم «حق تلاوت» است. در مفردات راغب آمده است: «تلا» به معنی پیروی و متابعت بدون واسطه است و متابعت گاهی به جسم و گاهی به پیروی در حکم است. در این صورت مصدر آن «تَلَوَّ» و «تَلَوْ» است و گاهی با خواندن و با تدبیر در معنی است و مصدر آن «تلاوت» است که صرفاً در ارتباط با کتب آسمانی به کار می‌رود [چرا که تنها کتب آسمانی هستند که دارای ماهیت خواندن و متابعت هستند] که این پیروی، گاه از جهت قرائت آنها و زمانی از جهت فرمان‌برداری از دستورات آنها است. راغب اصفهانی می‌افزاید: در آیاتی مثل: «وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا»<sup>۱۸</sup> و ... تلاوت (تبعیت) از نوع قرائت است. اما در آیه «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ»<sup>۱۹</sup> تلاوت (تبعیت) با علم و عمل انجام می‌شود.<sup>۲۰</sup> امام صادق(ع) در توضیح این آیه در معنای «حق التلاوة» می‌فرماید: «آیات را با ترتیل می‌خوانند و در آن تفقه نموده به احکامش عمل می‌نمایند و به وعده خدا امیدوارند و از وعید او می‌ترسند و از قصه‌هایش درس عبرت می‌آموزند و به اوامرش گردن

۱۸. انفال، ۳۱.

۱۹. انفال، ۲.

۲۰. بقره، ۱۲۱.

۲۱. مفردات الفاظ القرآن، صص ۱۶۷ و ۱۶۸.

۱۵. قیام، ص ۱۹۰.

۱۶. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۹۰۸؛ الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۳۰؛ مفاتیح الغیب، ج ۹، ص ۴۵.

۱۷. مکارم الأخلاق، ص ۳۴۳؛ بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۰۸.



است از عمل به احکام و دستورات استخراج شده از قرآن و اعتقاد به حقایق غیبی ذکر شده در کلام الهی. از طرفی استخراج احکام و مفاهیم آیات قرآن به خصوص برای افراد عادی، امر دشوار و پر مخاطره‌ای است که احتمال خطا و اشتباه نیز در آن وجود دارد و برای این منظور، بهتر است به منابع ساده‌تری چون کتب تفسیر، اخلاق و اعتقادات مراجعه شود. حال وقتی فردی به این کتب مراجعه می‌کند و پس از مطالعه در عمل بر مفاد آنها نیز اهتمام می‌ورزد، با تعریف مفروض از عمل به قرآن، او تاکنون به تمام آیات قرآن به غیر از آیه «فَأَقْرَأْ مَا تَنْسَرُ مِنَ الْقُرْآنِ»،<sup>۲۵</sup> عمل کرده است. عمل به این آیه نیز می‌تواند در هر روز به میزان خواندن ده آیه هم به جهت تبرک و هم رفع تکلیف انجام شود! اکنون چنین فردی به تمامی آیات قرآن عمل کرده است. بدین سان از آنجا که «عمل به قرآن» بالاترین سطح از مراتب ارتباط و انس با قرآن کریم محسوب می‌شود، می‌توان گفت این فرد به‌رغم آنکه هیچ انس و قرابتی با قرآن و قرائتش ندارد، لیکن قاری، تالی و حامل حقیقی قرآن محسوب می‌شود؛ زیرا بالاتر از قرائت، عمل به قرآن را با خود همراه کرده است. اما آیا این برداشت از عمل به قرآن همان چیزی است که رسول خدا(ص) پیوسته بر آن تأکید می‌کرد؟ برای مصون ماندن از آثار زیان‌بار این دیدگاه، مراحل قرائت، استماع، ترتیل، تلاوت، تدبر و عمل باید همگام و همراه باهم در نظر گرفته شوند.

### تبیینی نواز عمل به قرآن

در روایتی به نقل از ابو‌عبدالرحمن سلمی در بیان تعلیم قرآن در سیره نبوی ذکر شده است: کسانی که قرآن را بر ما اقرار می‌کردند، می‌گفتند: هنگامی که از رسول خدا(ص) طلب اقرار می‌کردند، بعد از آنکه ده آیه را می‌آموختند، از آن عبور نمی‌کردند، مگر به احکام عملی آن عمل می‌کردند. بدین وسیله قرآن و عمل را توأمان تعلیم می‌دیدیم.<sup>۲۶</sup> براساس این روایت در سیره نبوی عمل به قرآن در حین تعلیم قرآن انجام می‌شده است. روایات دیگری در این

می‌نهند و از نواهی اش دوری می‌کنند. به خدا سوگند، قرآن برای حفظ کردن آیات و درس دادن حروفش و تلاوت کردن سوره‌هایش و درس دادن ده آیه و پنج آیه‌اش نیست، حروفش را حفظ کردند، ولی حدودش را ضایع کردند و جز این نیست که قرآن برای اندیشیدن در آیاتش و عمل کردن به احکامش می‌باشد».<sup>۲۲</sup> در این روایت سه مقوله قرائت، تدبر و عمل به یکدیگر پیوند خورده و همگی ذیل عنوان حق تلاوت قرآن بیان شده‌اند. بنابراین همان‌گونه که تدبر، وصف قرائت قرآن محسوب می‌شود،<sup>۲۳</sup> عمل به قرآن نیز توصیفی از قرائت حقیقی به شمار آمده و درآمیخته با آن است. از این رو، همان‌طور که از اصطلاح «قرائت متدبرانه» یاد می‌شود، می‌بایست از عبارت «قرائت عمل‌گرایانه» نیز سخن به میان آید.

بررسی روایات نشان می‌دهد که درباره مراتب مختلف ارتباط با قرآن، علاوه بر روایاتی که در آنها به مدح و تکریم پرداخته شده است، روایاتی هشدار دهنده و گاهی مذمت‌کننده نیز وجود دارد که احتمال لغزش افراد را بیان می‌کند؛ اعم از متعلمان، قاریان، حافظان، حاملان و ... در این میان، عاملان به قرآن تنها گروهی هستند که هیچ روایت نکوهش‌کننده‌ای درباره آنها وجود ندارد و در روایات پیوسته مورد مدح بوده‌اند. این نشان می‌دهد که به واقع بالاترین مرتبه ارتباط و انس با قرآن کریم، مرحله عمل به قرآن است. از امام حسن(ع) روایت شده است: «بهترین مردم کسی است که به احکام قرآن عمل کند، اگرچه آیاتش را از بر ننماید و بدترین مردم کسی است که به قرآن عمل نکند، اگرچه آیاتش را فقط بخواند».<sup>۲۴</sup>

در اینجا پرسش مهمی مطرح می‌شود که پاسخ به آن، بسیاری از مسائل را روشن می‌کند و آن این است که اگر دو مرحله قرائت و عمل، از یکدیگر منفک فرض شوند، چه نتایجی به بار خواهد آمد؟ با فرض اینکه عمل به قرآن جدای از قرائت و تدبر در قرآن است، در این برداشت، عمل به قرآن عبارت

۲۲. إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص ۷۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۱۶.

۲۳. همان‌گونه که در روایت «أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ لَا تَدْبُرُ فِيهَا» (بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۷۵)، تدبر وصف قرائت بوده و در حین آن انجام می‌شود.

۲۴. إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص ۷۹.

۲۵. زممل، ۲۰.

۲۶. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۹؛ تفسیر القرآن العظیم،

ج ۱، ص ۹.



زمینه نقل شده که تعبیر دیگری نزدیک به آن، در آنها به کار رفته است.<sup>۲۷</sup>

مطابق با روایات، تعلیم عمل‌گرا فراتر از آموزش احکام و معطوف بر عمل به آموخته‌ها در همان زمان تعلیم است. از نحوه کاربرد عمل به قرآن در روایت یاد شده، این‌طور برمی‌آید که عبارت «عمل به قرآن» در عصر رسول خدا(ص) یک اصطلاح ویژه محسوب می‌شده که مبتنی بر آن، «عمل» با معنای رایج امروزی‌اش تفاوت دارد.<sup>۲۸</sup>

پس مقصود از «عمل به قرآن» در حین تعلیم و اقرار قرآن چیست؟ به نظر می‌آید مقصود، تحقق و تبلور علم قرآن در شاکله قرآن‌آموز است. در اینجا دو مرحله برای عمل به قرآن مطرح و در ضمن آن به تبیین این مسئله پرداخته می‌شود:

### ۱) عمل به قرآن در حین قرائت

در اینجا با توجه به جایگاه شاکله در شکل‌دهی اعمال و رفتار انسان، عمل به قرآن این‌طور تبیین می‌شود: «عمل کردن به قرآن»، هم‌ارز و برابر است با «متذکر ساختن با قرآن». مشخص است که انسان، خود باید تذکر را بپذیرد و آن را به نفس و قلبش القا کند. قرآن در سوره بقره می‌فرماید: «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»<sup>۲۹</sup> «آنچه را به شما داده‌ایم به جدّ و جهد بگیرید، و به آنچه در آن هست متذکر شوید». بر این اساس عمل کردن به قرآن دو مرحله دارد:

مرحله اول: اتخاذ آنچه از قرآن و آیات الهی به ما رسیده است، آن هم با قوت و جدیت. درست مثل کسی که مدت‌ها در جستجوی حقیقتی است و برای یافتن آن مشقتهای بسیاری را متحمل شده است؛ این شخص آن‌گاه که به مطلوبش می‌رسد، همچون تشنه‌ای که مدت‌ها در عطش سوخته، آن حقایق را قطره قطره می‌نوشد. طالب هدایت هم در قبال قرآن باید همچون این فرد باشد. او باید آیات قرآن را که حرف حرف آن، بلکه یک‌یک اعراب حروف

آن، هدایت و نور و تبیان است، تمام و کمال دربر گیرد و قلب خود را به این حقیقت متذکر کند که «تمام نیازها و آمال و آرزوهای تو برای دستیابی به هدایت و سعادت، در درون این حروف و کلمات نهفته است؛ پس با قوت و جدیت آنها را بگیر و رها مکن».

اما گام نخست برای اتخاذ قرآن، استماع کلام الهی است که جایگاه دوم پس از خواندن قرآن محسوب می‌شود و امری مترتب بر قرائت و نتیجه طبیعی آن است. در آیه ۲۰۴ سوره اعراف آمده است: «وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَاَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ». قرآن در این آیه دستور می‌دهد: «هنگامی که قرآن تلاوت می‌شود، با توجه گوش دهید و ساکت باشید، شاید مشمول رحمت خدا گردید».<sup>۳۰</sup> نکته اینجا است که شنیدن قرآن، زمانی به ارزش حقیقی خود راه می‌یابد، که با اعتقاد و آگاهی توأم باشد: «سوگند به خدایی که جان محمد(ص) در حیطه قدرت او است، برای کسی که یک آیه از کتاب خدا را بشنود، در حالی که عقیده و ایمان داشته باشد که کسی که قرآن از جانب خدا بر او نازل شده، محمد(ص) است که در همه گفتارش صادق و در همه کردارش حکیم است و آنچه خدا از علوم خود به او ودیعه داده، او نیز به امیرالمؤمنین علی(ع) به ودیعه سپرده، ... پاداشش از پاداش کسی که به قدر کوه ثبیر، طلا صدقه دهد، در حالی که به این امور معتقد نباشد، بزرگ‌تر است. بلکه چنین صدقه‌ای وبال صاحب خود می‌شود».<sup>۳۱</sup> زمانی که قرآن با این کیفیت استماع شود، زمینه لازم برای عمل به قرآن فراهم شده و حتی خود نوعی عمل کردن به آیات قرآن به شمار می‌آید. چنانچه در مجمع البیان در توضیح این آیه به نقل از زجاج آمده است: «ممکن است منظور این باشد که به دستور قرآن عمل کنید و از حدود آن تجاوز نکنید؛ زیرا «سمع الله دعائک»؛ یعنی خداوند دعای تو را اجابت کرد. چه او شنوا و دانا است».<sup>۳۲</sup>

مرحله دوم: این است که خود را با آیات قرآن متذکر و متنبه ساخته و اشارات و تقریرات قرآن را در دل و جان خود تثبیت کند. امام باقر(ع) فرمود: «قرآن خوانان سه

۳۰. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۷۰.

۳۱. التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري(ع)، ص ۱۳؛ بحار

الانوار، ج ۸۹، ص ۱۸۲.

۳۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۷۹۲.

۲۷. القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۱، ص ۱۵۷؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ۱، ص ۳۹؛ بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۰۶.

۲۸. به طور کلی اصطلاح «عمل کردن» در همه جا واجد یک مفهوم ثابت و مشترک نیست. به عنوان مثال در اصطلاحات فقهی، «عمل کردن» در معنای «فتوا دادن» به کار می‌رود. در این کاربرد هنگامی که فقیه براساس یک روایت مشخص فتوا می‌دهد، در اصطلاح گفته می‌شود: فقیه به آن روایت عمل کرده است.

۲۹. بقره، ۶۳.



گروه‌اند. ... و دیگری مردی است که قرآن خواند و داروی قرآن را بر دل دردمندش نهد و با قرآن شب زنده‌داری کند و روزش را با تشنگی نسبت به قرآن به سر برد.<sup>۳۳</sup> در این روایت سخن از انجام فعلی است که در حین قرائت قاری انجام می‌شود؛ او در همان حالی که به قرائت مشغول است، باید خود را به آن آیات متذکر و متنبه ساخته و دوی قرآن بر روی دردهای خود گذارد. به عبارتی دیگر قاری در حین قرائت باید آیات قرآن را به اسماع قلب و جان خویش برساند. «چنان‌که از پیامبر گرامی اسلام هم نقل شده است که در این باره فرمود: «ما قرأ من لم یسمع نفسه»؛ یعنی قاری قرآنی که گوش‌جانش آنچه را بر زبان جاری می‌کند، کلمه به کلمه و حرف به حرف دریافت نکند، به حقیقت، قرآن نخوانده است.»<sup>۳۴</sup>

امیرالمؤمنین (ع) درباره معنای آیه «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلاً»<sup>۳۵</sup> فرموده است: «نزد عجایب آن توقف کنید و قلبها را به وسیله قرآن به حرکت درآورید.»<sup>۳۶</sup> ایشان همچنین در جایی دیگر می‌فرماید: «با خواندن قرآن دل‌های سخت خود را بکویید و به حرکت درآورید.»<sup>۳۷</sup> در این دو بیان شریف، به صراحت، سخن از انجام فعل و عملی است که ترتیل‌خوان قرآن باید در حین ترتیل انجام دهد. در اینجا می‌توان جایگاه «تدبر» را در فرایند «عمل به قرآن» مورد بررسی قرار داد. قرآن می‌فرماید: «أَفَلَا یَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَی قُلُوبِ أَفْقَالِهَا»؛<sup>۳۸</sup> «آیا آنها در قرآن تدبّر نمی‌کنند، یا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است؟!». این آیه به روشنی ماهیت تدبر و ارتباط مستقیم آن را با «قلب» بیان می‌کند. بر مبنای این آیه «تدبر ماهیتاً یک امر قلبی است و با صرف تفکر و اندیشه که یک فرایند ذهنی است، تفاوت دارد. الفاظ و عبارات قرآن با خواندن یا گوش‌فرادادن، روانه ذهن می‌گردد و سپس این مفاهیم به وسیله تدبر، به قلب برده شده و در آنجا نکات هدایتی، به دست آمده و قلب، آماده پذیرش حق می‌شود.

پس می‌توان تدبر را حلقه واسطه بین دریافت عبارات قرآن و به کار بستن دستورات و راهنماییهای آن دانست.<sup>۳۹</sup> در این دیدگاه مراحل درهم تنیده «عمل به قرآن»، این‌طور حاصل می‌شوند: «قرآن با رعایت معیارهای ترتیل و تلاوت، متدبرانه قرائت شده، معانی‌ای که از طریق تدبر برای انسان حاصل می‌شود، با قوت و جدیت اخذ شده و در رابطه با آن معانی از قلب اقرار گرفته می‌شود». این همان معنای تذکره در مرحله عمل به قرآن است. مشابه این برداشت را هادوی کاشانی مطرح می‌کند: «تعبیرات مختلفی از پیامبر (ص) و ائمه (ع) در مورد عمل به قرآن رسیده است و تعبیراتی دیگر، مثل اتباع، تمسک و حق التلاوة نیز بیان شده که ناظر بر عمل به قرآن است.»<sup>۴۰</sup> همچنین مفاهیمی چون اتعاط به مواعظ قرآن، اعتبار فکر از بیانات قرآن، عزم بر اجتناب از معاصی و مناهی آیات، اخذ و چنگ‌زنی به شرایع کتاب در دعای قبل از تلاوت قرآن و نیز تفقه در قرآن، امید بستن به وعده‌های الهی، و ترسیدن از عذاب اخروی که در مفهوم تلاوت حقیقی (حق التلاوة) درج شده است، از دیگر مصادیق عمل به قرآن است که هم‌زمان با تلاوت آیات صورت می‌گیرد. به طور کلی از حیث ارتباط آیات قرآن با مقوله «عمل به قرآن»، می‌توان آنها را در سه دسته جای داد: دسته اول آیاتی هستند که مخاطب را به انجام یا عدم انجام فعلی ملزم می‌سازند. مثل اینکه قرآن می‌گوید: نماز اقامه کنید، زکات دهید، انفاق کنید و ... یا اینکه می‌گوید: فحشا نکنید، ربا نخورید، غیبت نکنید و ... در مورد این دسته از آیات چطور می‌توان هم‌زمان با قرائت قرآن به آنها عمل کرد؟ رسول خدا (ص) می‌فرماید: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ».<sup>۴۱</sup> روایت دال بر ارتباط و وابستگی تنگاتنگی است که اعمال انسان با نیت‌های او دارند. از طرفی براساس روایات، خدا به نیت کار خیر، اگرچه انسان موفق به انجام آن نشود، پاداش آن کار خیر را می‌دهد. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «کسی که با صدق نیت آرزوی شهادت در راه خدا را داشته باشد، خدا ثواب شهید را به او عنایت می‌فرماید، گرچه توفیق

۳۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۲۷؛ الامالی، ابن بابویه، ص ۲۰۲.

۳۴. روش‌شناسی تعلیم قرآن در سیره پیامبر اعظم، ص ۱۱۳.

۳۵. مزمل، ج ۴.

۳۶. تفسیر القرآن العظیم، ج ۸، ص ۲۶۲؛ تفسیر نورالتقلین، ج ۴، ص ۱۵.

۳۷. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۵۶۹؛ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۷.

۳۸. محمد، ج ۲۴.

۳۹. روش‌شناسی تعلیم قرآن در سیره پیامبر اعظم، ص ۱۸۲.

۴۰. «مراتب انس با قرآن در روایات»، ص ۸۵.

۴۱. مصباح الشریعة، ص ۵۳؛ مفاتیح الغیب، ج ۴، ص ۷؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ۲، ص ۳۷.



شهادت نیابد».<sup>۴۲</sup> نیز فرمود: «کسی که با نیت پاک و راست از خداوند درخواست شهادت نماید، خدای مهربان او را به درجات و مراتب شهدا می‌رساند، گرچه در بستر خانه‌اش بدرود حیات نماید».<sup>۴۳</sup>

بدین‌سان گاه انسان عملی را انجام می‌دهد، ولی چون نیت را با خود همراه نکرده است، از او قبول نمی‌کنند و گاه تنها نیتی صادق و عزمی راسخ بر انجام کاری دارد و با وجود اینکه در بیرون هیچ عملی انجام نداده است، نیت او را به عنوان عمل انجام شده از او می‌پذیرند.

بنابراین اگر هنگام تلاوت قرآن با آیه‌ای برخورد کنیم که به برّ والدین امر می‌کند، لازم نیست در همین لحظه نزد والدین خود برویم، بلکه همین که نفس خود را متذکر به این وظیفه سازیم و صادقانه و از حاق وجود عزم بر اصلاح رفتار خویش کنیم، به گونه‌ای که حالت نفسانی فروتنی و احسان نسبت به والدین در ما ایجاد شود، در واقع به این آیه شریفه عمل کرده‌ایم.

دسته دوم آیات شامل الزاماتی هستند که نمود بیرونی و عینی نداشته و بیشتر اموری درونی و قلبی هستند که تنها خود فرد از کم و کیف آن آگاه است. در این مورد تطبیق و توضیح ساده‌تر است. وقتی آیه‌ای تلاوت می‌شود که در آن توصیه به ایمان مجدد، تقوا و اخبات شده است، تلاوت کننده در مقام عمل باید قلب خویش را به آن آیات متذکر ساخته و به آن القا کند که در برابر خدای متعال تذلل و تضرع بیشتر داشته باشد و در برابر معاصی و حرامها مراعات و ملاحظه‌اش بیش از پیش باشد و باور و یقین خویش را نسبت به حقایق الهی قوی‌تر کند.

دسته سوم آیاتی هستند که مطلقاً جنبه عملی نداشته و بیشتر ناظر بر مقولات نظری هستند؛ مانند آیات مربوط به اسماء و صفات الهی، داستانهای پیامبران، و مواردی که به شخص رسول خدا(ص) مربوط می‌شوند.

در رابطه با این آیات نیز تقریباً وضعیت مشابه با قبل است؛ یعنی در برابر داستانهای انبیا، باید قلب خویش را مطمئن و معتقد به عظمت جریانهای واقع شده در مورد پیامبران سازد و سعی کند رنجها و مشقتهای ایشان را در درون احساس

کند و از دیدارها و برخوردهای ایشان درسهایی عملی برای زندگی گیرد. در مورد اسمای الهی و نیز مواردی که به شخص رسول خدا مربوط می‌شوند هم تقریباً وضع بر همین منوال است.

در این دیدگاه مراد از عمل به قرآن، «درونی‌سازی مفاهیم و وجدان آموزه‌های قرآنی» است، تا از این طریق قرآن بر صفحه جان انسان نقش بسته و با گوشت و پوست او ممزوج گردد، تا شاکله وجودی او را قرآن بنیان شکل گیرد: «بار خدایا! از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و حفظ قرآن و فراگیری شاخه‌های مختلف علوم را روزی‌ام گردانی و قرآن را در قلب من تثبیت و با گوشت و خون و استخوان و مغزم مخلوط سازی».<sup>۴۴</sup>

در پایان این بخش وظایف درهم تنیده قاری در هنگام قرائت قرآن شرح داده می‌شود: انسان پس از رعایت آداب قرائت قرآن، قرائت خود را آغاز می‌کند. در حین قرائت علاوه بر استماع آیات قرآن، به استماع نفس نیز مشغول است. با رعایت مواضع وقوف آیات، دل خویش را با آیات قرآن به حرکت وامی‌دارد (ترتیل) و به وعده‌های الهی چشم امید بسته و با وعیدهای او خود را هراسان می‌سازد و از قلب خویش در برابر اوامر و مناهای الهی اقرار می‌گیرد (تلاوت) و با تفقه (تدبیر) در قرآن، آیات قرآن را با قوت اخذ کرده و آن را با گوشت و پوست خود ممزوج می‌سازد (عمل).

## ۲) عمل به قرآن بعد از اتمام قرائت

پس از اتمام قرائت قرآن، در جریان زندگی اعمال و رفتاری از انسان صادر می‌شود که باید منطبق بر قرآن و کلام وحی باشد. در اینجا همانند مرحله تلاوت، دو مقوله قرائت و عمل با یکدیگر اتحاد و پیوند دارند؛ یعنی همان‌گونه که در حین قرائت، عمل به قرآن نیز محقق می‌گشت، اکنون نیز در بطن و متن عمل به قرآن، قرائت آیات قرآن جریان دارد. در این برداشت یک رفتار پسندیده به صرف انطباق با موازین دینی، عمل به نص قرآن به شمار نمی‌آید. عمل به قرآن زمانی محقق می‌گردد که اعمال و رفتار انسان در همان لحظه صدور، از بطن آیات قرآن متولد شده، قدم در وادی اعمال گذارد. بر این اساس عمل به قرآن و زایش از قرآن، همگام و هم‌زمان واقع می‌شوند و هیچ واسطه‌ای

۴۲. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۰۱.

۴۳. همان.

۴۴. الکافی، ج ۲، ص ۵۷۶؛ مرآة العقول، ج ۱۲، ص ۴۴۷.



میان این دو وجود ندارد. این گونه به جای آنکه انسان یک مفهوم کلی برگرفته از قرآن را در ذهن داشته باشد و براساس آن عمل کند، نص آیات قرآن را با قرائت نزد خود حاضر یافته، مستقیماً از کلام الله دستور می‌گیرد. با این برداشت، عامل قرآن، قاری و متدبر در قرآن نیز بوده و در نتیجه انس با متن اصلی قرآن نیز در او ایجاد می‌شود. بنابراین در عمل به قرآن هرچه واسطه‌ها بیشتر باشند، رنگ قرآنی کمتر در عمل بروز می‌کند و هرچه این واسطه‌ها بیشتر زده شوند، عمل قرآنی تر می‌شود. بنابراین کسانی که می‌خواهند حقیقتاً به قرآن عمل کنند، می‌بایست قرآن را چون لباس دائمی، در تمام اوقات با خود همراه داشته باشند و همواره در کارهای خویش بدون واسطه از نص قرآن دستور گیرند: «خوشا به حال زاهدان در دنیا، کسانی که به آخرت میل دارند و قرآن را چون لباس زیرین همیشه به همراه دارند!»<sup>۴۵</sup>

اما تفاوت عمل بدون واسطه به نص قرآن و عمل به تعالیم برگرفته از قرآن، شباهت بسیاری به تفاوت میان قرائت قرآن و خواندن ترجمه قرآن دارد. هنگام تلاوت آیات قرآن با کلام خدا مواجهه صورت می‌گیرد و هنگام خواندن ترجمه قرآن با کلام بشر؛ و فاصله میان کلام خدا با کلام بشر، همان فاصله میان خود خدا با غیر او است.<sup>۴۶</sup> بنابراین همان‌طور که قرائت متن قرآن تفاوت زیادی با خواندن ترجمه قرآن دارد، بین عمل بدون واسطه به نص قرآن با عمل به کتب اخلاقی برگرفته از قرآن، نیز فاصله زیادی وجود دارد. رساله‌ها و کتابهای اخلاقی و غیر آنها در بهترین حالت، ترجمه‌ای مفصل و مشروح از آیات قرآن به شمار می‌آیند. از این رو عملی که از رحم این دست مکتوبات بشری متولد شود، در مقابل عمل خالص قرآنی، دچار عقب افتادگی و معلولیت وجودی خواهد بود.

۴۵. الامالی، مفید، ص ۱۳۳.

۴۶. وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۲۳۷.

## نتیجه‌گیری

۱. مقوله عمل، همواره یک پدیده بیرونی و جوارحی نیست، بلکه گاه در روایات، به اموری که کاملاً جنبه درونی و قلبی دارند، عنوان عمل اطلاق می‌گردد.

۲. شاکله و قلب در روایات به منزله فرمانده کل قوای انسان و خاستگاه تمام اعمال و رفتار او به شمار آمده است. از این رو عمل به قرآن زمانی به طور قطع محقق می‌شود که قرآن در قلب آدم رسوخ کرده و شاکله وجودی او قرآن‌بنیان شکل گیرد.

۳. یکی از آسیبهای جدی در حوزه عمل به قرآن که تا حد زیادی بر مهمجوریت قرآن نیز دامن زده است، این دیدگاه است که مراحل ارتباط با قرآن (قرائت، تدبر و عمل به قرآن) منتزع و جدای از یکدیگر در نظر گرفته می‌شوند. این در حالی است که در روایات سه مقوله «قرائت»، «تدبر» و «عمل» درآمیخته و در التزام با یکدیگر بوده و همگی ذیل قرآنیت قرآن (خواندنی بودن قرآن) و تحت عنوان «حق تلاوت» بیان می‌شوند.

۴. براساس تعالیم قرآن و روایات، عمل به قرآن در دو مرحله تبیین می‌شود: ۱) عمل به قرآن در حین قرائت؛ در این دیدگاه مراد از عمل به قرآن، درونی‌سازی مفاهیم و وجدان آموزه‌های قرآنی است، تا از این طریق قرآن بر صفحه جان انسان نقش بسته، با شاکله او ممزوج گردد و وجود او را قرآنی سازد. ۲) عمل به قرآن بعد از اتمام قرائت؛ این مرحله از عمل به قرآن زمانی محقق می‌شود که اعمال و رفتار انسان در همان لحظه صدور، از بطن آیات قرآن متولد شده، هیچ واسطه‌ای میان آن دو وجود نداشته باشد. این گونه به جای آنکه انسان یک مفهوم کلی برگرفته از قرآن را در ذهن داشته باشد و براساس آن عمل کند، نص آیات قرآن را با قرائت نزد خود حاضر یافته، از کلام الله دستور می‌گیرد.



## کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، شهاب‌الدین محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیة، بیروت، قم، دارالکتاب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.

دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دارالکتاب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.



۴. ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی، تهران، کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۵. همو، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، الشریف الرضی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.
۶. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: محمدحسین شمس‌الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۷. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه بعثه، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۸. التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري (ع)، قم، انتشارات مدرسه امام مهدی (عج)، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۹. ثعلبی، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۱. حویزی، علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۱۲. خویی، حبیب‌الله؛ و حسن زاده آملی، حسن، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه و تکملة منهاج البراعه، تهران، مکتبه الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۰ ق.
۱۳. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم، الشریف الرضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، قم، ذوی القربی، ۱۴۱۶ ق.
۱۵. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. شریف رضی، نهج البلاغه، تعلیق: صبحی صالح، قم، انوار الهدی، ۱۴۲۱ ق.
۱۷. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، منیه المرید، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۸. شیخ بهایی، محمدوحید، روش‌شناسی تعلیم قرآن در سیره پیامبر اعظم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۷ ش.
۱۹. صفایی حائری، علی، قیام، قم، لیله القدر، بی‌تا.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۲۱. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۲۲. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم، الشریف الرضی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰ ش.
۲۳. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۲۵. عسکری، مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، تهران، مجمع علمی الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۶ ق.
۲۶. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
۲۷. فیض کاشانی، ملا محسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
۲۸. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۳۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۳۱. همو، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۳۲. مصباح الشریعه، بیروت، مؤسسه الاعلمی، چاپ اول، ۱۴۰۰ ق.
۳۳. مفید، محمد بن محمد، الامالی، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۳۵. هادوی کاشانی، اصغر، «مراتب انس با قرآن در روایات»، مجله علوم حدیث، شماره ۱۳، ۱۳۷۸ ش.